

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جاوید

۲۰ جون ۲۰۱۳

مکتی کوتاه بر پرسش و پیشنهاد گرامی "آزاد ل."

مبارز نترس و گرامی آزاد ل. عزیز از این که با وجود مریضی در موضوع مهم یعنی دفاع از حیثیت شعله نی های جانباخته و جانبازان قهرمان جنگ مقاومت مردم افغانستان شرکت کردید باعث خوشی همه دوستان شما و نوشته های پر محتوای تان گردید. به کوری چشم دشمنان جاسوس پیشه "آهن زنگ زده، صادق دنی وحسین خائن" خوشحالم که کمی صحت یاب شده اید و در این مسأله مهم یعنی دفاع از شرافت انقلابی زنان مبارز و مردان فدا کار سهم گرفتید.

زنده یادان رفیق مجید، رفیق احمد و رفیق مینا که هر کدام شان حماسه های جاودان و محبوب مردم در بند ما بودند اکنون توسط جواسیس وانجو داران وانجو بازان ونیمچه آم های بی غیرت که از شرافت خود در نوجوانی نتوانستند دفاع کنند با انکار کردن از مبارزات این قهرمانان میهن ویا آن را نا چیز جلوه دادن می خواهند برای خود شخصیت کمائی کنند.

وبا جاسوس خواندن تمام همکاران پورتال آزادگان من جمله شما که نوشته های تان چون خار در چشمان این نا بکاران زنا زاده می خلد وبا دشنام وتوهین می خواهند عقده های حقارت خود را تسکین دهند .

رفیق آزاد عزیز نوشته های غنی و پر محتوای شما در تمام جنبش چپ یگانه است ، من تا حال در هیچ سایت مربوط افغانها به چنین نوشته ها سر نخورده ام که مانند شما شجاعانه باور های خرافی را نقد کند و قوله شیخک های عرب و نوکران عجم آن را به ملکوت رسانیده باشد .

سوپر انقلابی و دلچک رسوای شورشی و نوکر حقیر پیکاری اش داکتر غف ومائویست های عمده و پرچون شان به خاطر روی ارباب های روسی وامریکائی شان در مورد دین نه نوشته می کند ونه آن را نقد میکنند . با وجود "انقلابی" خواندن خود تا امروز نه جرأت کرده اند ونه شهامت آنرا دارند که دوسطر راجع به دین این افیون توده ها بنویسند و به بهانه احترام به باور های توده ها خود را ساده کنار می کشند تا سی. آی. ای. پول خود را به روی شان قید نکنند واربابان روسی شان نگویید که باهزار زحمت "گشتمند" را به حزب وحدت سرش کردیم و اکنون شما کار ها را خراب می سازید. در حرف شنوئی از مراجع قدرت این ها "جوره" ندارند یک گوش شان به دهن امریکائیها وگوش دیگر شان به دهن روسها دوخته شده است که اربابان چه دستور می دهند وچه فرمایش نوی دارند تا به روی عناصر انقلابی "غفورش" غف بزند و"صادقش" جف. حتی عقب مانده ترین آدم ها از این "ملی سرخک " های انقلابی ،

انقلابی تر هستند اگر سرخی روی شان به سان ملی سرخک تراش گردد سفیدی های ضد انقلابی وبا سرشت سیاه از زیر آن نمایان میگردد. این جواسیس به مانند اخوندها (که عمامه اش چو بال کبوتر سپید وپاک — اندیشه اش چو سایه ابلیس قیر گون) هستند که ظاهراً سرخی خود را نمایش می دهند اما در اصل سفید های سیه کاری بیش نیستند.

یکی از خصوصیات این باند های انجو دار را تاخت و تاز بر مردمان مطرح در جنبش تشکیل می دهد. کسانی را که در جبهات گرم مبارزه به ضد اشغالگران روسی سینه خود را سپر ساختند و از شرافت و نوامیس ملی ما دفاع کردند و یا در زندان ها حماسه ها آفریدند مورد حملات ددمنشانه قرار می دهند.

جهت عمده حملات شان را به ضد رفقای عزیز به خصوص رفیق توخی و رفیق موسوی و رفیق خالقداد و رفیق میرویس که کارنامه های درخشان مبارزاتی دارند، تشکیل می دهد.

این ها از سواد کافی و حتی معلومات دست دوم در باره صدر مائو و آثارش برخوردار نیستند سازمان انقلابی برای شان درسی داد که "تحقیق نا کرده حق صحبت ندارد" و یا به گفته خود رفقای سازمان انقلابی (با یک سیلی دیگر مائوتسه دون روی "مائویست ها" را ببندانیم) که روی سیاه شان را پنداندند.

این بیسودان که تا هنوز همان آثار مائوتسه دون را اگر خوانده هم باشند هضم نکرده اند در مقام دانش دیگران به داوری می نشیند و همه را بیسواد و بدون دانش معرفی میکنند ارزیابی های شان چون محصول تراوشات ذهنی شان است همه فاقد اعتبار است از همین ارزیابی های بی اساس شان تمام گفته های شان فاقد اعتبار است.

این ها اساساً در مکتب اخوندی بزرگ شده اند و زن ستیزی شان فقط بر اساس همان دانش اخوندی شان استوار است.

اگر در باره رحیمه توخی این زن شجاع و فداکار به داوری می نشیند که رحیمه توخی این شاعر مقاومت بیسواد است اساساً بر این باور اند که زن را چه که در کار مردها دخالت کند مگر شما کینه این دسته قوادان را ندیده اید که علیه ملالی میوند غف می زنند به خاطر زن بودن وی، اگر علیه مینا یگانه زنی که آگاهانه در راه رهائی زنان و مردان دربند کشور رزمید و جان خود را در راه اهداف انسانی اش فدا کرد می جفند به خاطر زن بودن وی است نه چیز دیگر این ها علیه همسران خود نیز به خاطر زن بودن شان می جفند چنانچه داکتر غفور ثنا یا تقاله آهن با لحن لومپنانه خود علیه همسر و شریک زندگی خود غف زد و آن بیچاره ای از دنیا بی خبر را متحجر و بیسواد و عقب مانده و غیره خطاب کرد که آن بد بخت چرا "وان یکاد" را از خانه خواب به خانه سالون انتقال داده بود. شاید وی فکر می کرد که تمام کسانی که با شوهرش مراده دارند مانند شوهرش مسلمان صاحب اعتقاد باشند و یا فکر کرده بود که باز یکی از همان دوستان آخوند شوهرش به دیدن شان می آید و خانه باید کاملاً اسلامی تزئین شود.

چند روز متواتر الفاظ رکبیک داکتر ثنا در باره خانمش در سایتش برقرار بود که بعد به توصیه یاران زن ستیزش از روی سایت برداشته شد. داکتر ثنا شاید فکر کند که هیچ کس آن الفاظ رکبیک را که نثار خانمش کرده بود نخوانده است که آن را دوباره برداشت و به جای آن واژه های دیگر را گذاشت. آقای داکتر به این می گویند اپورتونیزم که شما این لغت دوستداشتنی تان را نثار همه می کنید و یا این که معنی اپورتونیزم را نمی دانید.

رفیق عزیز آزاد ل. من به خطوط کلی پاسخ رفیق موسوی که به طور علمی نگاشته اند موافقم اما تنها نکته ای را که می خواهم تذکر بدهم: هرگاه این ها در یک بحث علنی و آزاد تمام زد و بند های استخباراتی خود را افشاء نمایند و از پیشگاه مردم معذرت بخواهند آیا ما می توانیم بالای شان اعتماد کنیم؟

جواب از نظر من نه است. به طور مثال تمام عملکرد های داکتر غفور ثنا را اگر ملاک ارزیابی خود قرار دهیم خواهیم دید که این ها حاضر هستند به خاطر پول و شهرت دست به هر خیانت و جنایتی بزنند.

داکتر غفور بعد از گرفتاری داکتر کریم زرغون به دستور روسها ظاهراً از حزب دموکراتیک خلق برید و به نوکری شیخ آصف محسنی در آمد که وظیفه اش فقط استنجا دادن جناب آیت الله بود.

بعداً از محضر امام محسنی تمام رموز در یوزگی را آموخت و در خدمت کمیته اتریش و دو انجوی دیگر درآمد بعداً به دستور روسها و کمک انجوها به هالند تشریف فرما شدند و به دستور روسها یک شبه شد مائویست . آیا می توانیم با این کارنامه داکتر غف بالایش اعتماد کنیم ؟ جواب من نه است باید همراه این ها تصفیه صورت بگیرد .